

سرشناسه: ص. ج، ۱۳۴۳.

عنوان و نام پدیدآور: سلوک با همسر: نه حرف من، نه حرف تو، حرف خدا/ص.ج.

مشخصات نشر: تهران: تراث، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۳۱۲ ص.

شابک:

۹۷۸-۶۰۰-۹۳۵۱۰-۰-۸ ریال: ۹۷۰۰۰

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.

یادداشت: کتابخانه: ص ۳۰۱-۳۱۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: سلوک - عرفان عملی - خانواده - جنبه‌های مذهبی - اسلام.

موضوع: زنان و بوی - روابط - جنبه‌های مذهبی - اسلام.

رده‌بندی کنگره:

رده‌بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی:

۱۳۹۱ ۸ ص ۱۸/ص BP۲۳۰/۱۷

۲۹۷/۶۴

۲۹۹۳۰۵۶



نشر تراث

سلوک با همسر

ص.ج

بازخوانی: ج ص - ر ص

ناشر: انتشارات تراث

چاپ و صحافی: آریخ تهران

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۱ ه.ش

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۵۱۰-۰-۸

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۹۷۰۰ تومان

کلیه حقوق چاپ و نشر و بهره‌برداری الکترونیکی برای مؤلف محفوظ است

آدرس: تهران، میدان جمهوری اسلامی، جنب درب شرقی مترو نواب، پلاک ۵۶۷

کد پستی: ۱۳۱۱۹۱۷۵۶۳ تلفن: ۰۹۱۹۰۴۴۵۷۸۵ - ۶۶۹۰۶۲۴۰

پست الکترونیکی: Torath@gmail.com

سخن‌ناشر

در دنیایی که شراشر وجودش با تعلقات مادی گره خورده و روابط انسانی حاکم بر آن نیز با همین عیار مورد سنجه قرار می‌گیرد، سخن از مدینه‌ی فاضله و روابط الهی میان انسانها هرچند بسان رؤیایی دست نیافتنی می‌نماید، لکن ضرورتش بر عقل سلیم پوشیده نیست. اما پرواضح است که در این بین ارتباط میان همسران از اهمیت بیشتری برخوردار است، چه آنان در حقیقت همچون ستونی برای خانواده بوده و خانواده نیز در حکم ستون جامعه. زین سبب به نظر می‌رسد که تعامل همسران، آنگونه که رنگ و بوی توحیدی به خود گرفته باشد می‌تواند این آسیب جدی را درمان نموده و بشریت را از بن بست فرهنگی پیش رو خارج نماید.

«سلوک با همسر» عنوان کتابی است که با تلاش و کوششی طاقت فرسا در طی سالیان متمادی، توشه‌ای مناسب برای این مسیر پر پیچ

و خم فراهم نموده است. مولف محترم با تعمق در آیات قرآن مجید و روایات معصومین علیهم السلام و با بهره‌مندی از کلمات نورانی سالکان حقیقی صراط مستقیم و استفاده از محضر ره‌یافتگان به مقام قرب حضرت دوست، توانسته است مجموعه‌ای بدیع و کم نظیر در این زمینه تنظیم نماید و با زبانی گویا و دلنشین آن را به رشته‌ی تحریر درآورد.

ما نیز خداوند سبحان را شاکریم که توفیق طبع این اثر ماندگار را نصیبمان نمود. در واقع این اولین اثر منتشر شده از «نشر تراث» است که به زیور طبع آراسته می‌شود و این مهم، شکرانه‌ی دیگری را می‌طلبد که صمیمانه از عناياتش سپاسگزار و به توجهات بیش از پیش امیدواریم. باشد که مورد توجه و استفاده عاشقان و سالکان طریق قرب حضرت حق قرار گیرد و باقیات الصالحاتی برای نویسنده‌ی محترم و این کمترین باشد.

سیداحمد طباطبایی ستوده

تهران - پاییز ۱۳۹۱

فهرست مطالب

سخن آغازین	۱۵
سه حکایت	۱۷
نکته	۲۲
۱- محبوب‌ترین بنا	۲۵
ضرورت شناخت موانع و عوامل رشد و تعالی انسانی	۲۷
تفاوت در خلقت	۲۹
تجرد و تأهل	۳۰
۲- تکریم والدین	۳۳
نیکی به مادر	۳۶
سلب قابلیت‌های معنوی	۳۷
شایسته‌گویی و شایسته‌خویی	۳۸
مادرداری اویس قرنی	۴۱
بایزید بسطامی	۴۵
درسی از سید اهل مراقبه	۴۷
حکایت عبدالصالح	۴۸
سفارش امام زمان	۵۲

- رضایت حضرت احدیت..... ۵۳
- دعا در حق والدین..... ۵۵
- طریق سلوک با والدین..... ۵۸
- ۳- حُسن خُلق..... ۶۱
- ۴- سوء خلق..... ۶۵
- ۵- صبر بر سوء خلق..... ۷۳
- دستورالعمل مرحوم قاضی..... ۷۴
- شیخ ابوالحسن خرقانی..... ۷۸
- ۶- حلم و پرهیز از شتاب زدگی..... ۸۳
- توصیف آتش دوزخ..... ۸۶
- رضوان الهی..... ۸۷
- حدیث عنوان بصری..... ۸۹
- جلوه‌ای از حلم مرحوم زاهد..... ۹۰
- تندیس حلم..... ۹۲
- ۷- رفق و مدارا..... ۹۷
- مرز رفق و مدارا..... ۱۰۱
- ۸- پرهیز از خشم و غضب..... ۱۰۳
- دل جویی..... ۱۰۵
- تباه شدن سرمایه ملکوتی..... ۱۰۷
- سلب توفیق همراهی با خوبان..... ۱۰۹
- محرومیت از سایه لطف الهی..... ۱۱۰
- یاد خدا در همه حال..... ۱۱۱
- تیرگی جان..... ۱۱۲
- خشم برخواسته از رضای حضرت دوست..... ۱۱۳
- ۹- توهین و تحقیر و ایذاء..... ۱۱۷

۱۲۱.....	رنجاندن اولیای الهی.....
۱۲۶.....	اذلال اهل ایمان.....
۱۲۹.....	۱۰- پوزش خواهی و پوزش طلبی.....
۱۲۹.....	مراقبت در گفتار و رفتار.....
۱۳۰.....	پوزش خواهی.....
۱۳۳.....	مظالم عباد.....
۱۳۶.....	پوزش پذیری.....
۱۳۹.....	زشت‌ترین عیوب.....
۱۴۰.....	فرسایش معنوی.....
۱۴۴.....	صفح جمیل.....
۱۴۵.....	حدّ پوزش‌پذیری.....
۱۴۷.....	۱۱- آتش قهر.....
۱۴۷.....	دام شیطان.....
۱۴۹.....	برتر از هر نماز و روزه‌ای.....
۱۵۰.....	خاموش کردن آتش نزاع.....
۱۵۱.....	سخت‌گیری‌های بی‌مورد.....
۱۵۳.....	خروج از اسلام و محرومیت از رحمت خاصّه الهیه.....
۱۵۴.....	مانع پذیرش عمل.....
۱۵۵.....	شتاب مکن.....
۱۵۹.....	۱۲- انصاف.....
۱۶۳.....	روایتی که کمرم را شکسته.....
۱۶۴.....	آثار انصاف.....
۱۶۶.....	انصاف و فتح باب ملاقات.....
۱۷۱.....	۱۳- مهرورزی.....
۱۷۲.....	مهرورزی خالصانه.....

۱۷۳	جلوه‌های مهرورزی
۱۷۹	کانون عشق‌ورزی
۱۸۵	۱۴- خوش‌گویی
۱۸۷	سخت‌تر از زخم نیزه
۱۸۸	ارزیابی شخصیت
۱۸۹	زبان ارادت
۱۸۹	دل ریاتر شدن زندگی
۱۹۰	ناسزاگویی به پادشاه
۱۹۳	۱۵- شریک در دعا
۱۹۳	بارزترین جلوه مهرورزی
۱۹۷	دوام برکت
۱۹۸	او را به خدا بسپار
۲۰۰	انتظارات پس از مرگ
۲۰۳	۱۶- همیاری و همکاری
۲۰۳	انیت موهوم
۲۰۵	خشنودی حق در خدمت به خلق
۲۰۸	خدمت بی‌منت و خالصانه
۲۱۱	۱۷- هدیه دادن
۲۱۱	ظهور دادن عشق درونی
۲۱۳	محترم شمردن سلیقه و نیاز
۲۱۳	قدرشناسی
۲۱۴	جلوه‌ای از هدیه دادن خالصانه
۲۱۷	۱۸- تشکر و سپاسگزاری
۲۱۷	ارزشمندتر از نیکی کردن
۲۱۹	ناسپاسی از حضرت حق

۲۲۱	تنزل از مقام انسانی
۲۲۱	روز ظهور حقایق
۲۲۳	تشکر خالصانه
۲۲۷	۱۹- منت‌گذاری
۲۲۷	تنافس در خبررسانی
۲۲۸	صاعقه منت‌گذاری
۲۲۹	نقص در توحید
۲۳۶	دام‌گذاری شیطان
۲۳۷	۲۰- وفای به عهد
۲۳۷	خلق رحمانی
۲۳۸	خلق شیطانی
۲۳۹	فطرت مخموره
۲۴۰	ریشه بسیاری از کمالات
۲۴۶	تنزل معنوی
۲۴۸	ناتوانی از وفای به عهد
۲۵۱	۲۱- قناعت و ساده‌زیستی
۲۵۲	ستودن انسان‌های کم هزینه
۲۵۴	بردگی و اسارت
۲۵۵	ضعف شخصیت
۲۵۷	قطع طمع شیطان
۲۵۸	قناعت در امور معنوی
۲۶۱	۲۲- پاسخ به نیازهای غریزی جنسی
۲۶۲	آراستگی به اخلاق انبیا
۲۶۳	وسوسه‌های شیطانی
۲۶۷	۲۳- تعاون

۲۶۹	قدرش را بدان
۲۷۳	حجاب حق‌بینی
۲۷۴	اعانت بر اثم
۲۷۵	آتش‌سوزان جهنم
۲۷۶	بهترین همسر
۲۷۹	۲۴- نیازمندی به موعظه و مطالعه
۲۸۲	حضور در حلقه‌های ذکر
۲۸۳	انس با کلمات اهل معرفت
۲۸۷	۲۵- سخن آخرین
۲۸۷	از خود دم زدن هرگز!
۲۸۹	تجربه‌آموزی
۲۹۱	پای‌بندی به حقوق واجب
۲۹۳	مشورت
۲۹۴	ماه غسل
۲۹۸	فراموش نکردن مقصد
۳۰۱	کتابنامه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِحَمْدِهِ وَجَعَلَنَا مِنْ أَهْلِهِ وَ سَبَّلَنَا فِي سُبُلِ
إِحْسَانِهِ لِنَسْأَلَكَهَا بِمَنَّةٍ إِلَى رِضْوَانِهِ وَالصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ عَلَى
أَفْضَلِ مَنْ كَانَا فِي سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ
سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ لَا سَيِّمًا إِلَّا لِلْإِمَامِ الْمُبِينِ الْحُجَّةِ
الْقَائِمِ الْمُتَنَزِّلِ الْمُهْدِي وَاللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

سخن آغازین

نهاد خانواده یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین ارکان جامعه بوده و تأثیر
شگرفی بر حیات فکری و فرهنگی و معنوی و ایمانی اجتماع داشته و نقش
جدی در پویایی و سرزندگی و نشاط آن دارد که اگر به شدت از آن
مراقبت و مواظبت شود، زمینه‌ی دستیابی به سعادت حقیقی و ابدی را
برای طالب حقیقی قرب حضرت حق - جلّ جلاله - فراهم می‌سازد و از
آنجایی که سالک عاشق دل‌داده‌ی حضرت جانان - جلّ جلاله - آرمانی جز
توحید و کمال عبودیت ندارد، باید برای رسیدن به این هدف غایی و نهایی،
زندگی و معاشرت و تعامل خویش با همسر و سایر اعضای خانواده‌اش را
به گونه‌ای تنظیم نماید، تا پیوند همسری که منطبق با فطرت توحیدی و
خواست محبوب ازلی و ابدی است، نردبانی برای صعود و فتح قله‌های

کمال انسانی باشد و چنین آرزویی دست یافتنی نخواهد بود مگر آنکه براساس معارف نورانی و کلمات حضرت حق - جل جلاله - و هدایت‌های او سُبْحَانَهُ و اولیای عظیم الشان - صلوات الله علیهم - روح معنویت و توحید و عبودیت را بر همه‌ی شؤون زندگی خویش حاکم سازد.

سوالی باید با الهام از اقیانوس کمران ناپسندای معارف قرآن و عترت - علیهم السلام - با ظرافت‌های همسررداری آشنا شده و به مراقبه‌ی جدی از مرزهای مقدس نهاد خانواده پردازد و آن را از تهاجم و سوسه‌های شیاطین جنی و انسی و راهزنان طریق بندگی و عبودیت، حفظ نماید و به این حقیقت توجه داشته باشد که اندک غفلتی ممکن است کانون زندگی‌اش را دچار بحران کرده و نه تنها راه رسیدن به توحید و کمال عبودیت و حیات طیّبه و وصال حضرت محبوب - جل جلاله - به رویش سد شود و در سیر عبودی‌اش توقف و ایستایی ایجاد گردد، بلکه بازنده‌ی امتحانات دائمی و شبانه‌روزی در محیط زندگی‌اش شود و به وادی حرمان و انحطاط و سقوط کشیده شده و در سیر نزولی قرار گیرد.

از آیات الهی که اهل فکر را باید به تدبیر و اندیشه وادارد آن است که ذات اقدس حضرت احدیت - جل جلاله - بین زوجین، مودت و رحمت را قرار داده است: ﴿وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾^۱ تا زندگی دنیایی و آخرتی آدمی به کمال مطلوب خود برسد.

عارف واصل، حضرت علامه‌ی طباطبایی - قدس سره - که همواره حلقه‌ی بندگی خدا و غلامی حضرات معصومین - صلوات الله علیهم - را بر گوش داشت و رمز فتوحات لایدرک و لایوصف معنوی‌اش بود و طالبان

کمال را به آن دعوت می نمود، با الهام از این آیه ی مبارکه می فرماید: «از روشن ترین و بارزترین جلوه گاه های مودت و رحمت، جامعه ی کوچک خانواده می باشد»؛ «مِنْ أَجْلِ مَوَارِدِ الْمَوَدَّةِ وَالرَّحْمَةِ، الْمُجْتَمَعُ الْمَنْزِلِي»^۱.

پس خواست حضرت حق - جل جلاله - آن است که خانواده، کانون مودت و رحمت باشد و از آنجایی که سالک عاشق، نمی تواند خواسته ای جز خواسته ی محبوبش داشته باشد، باید با شناخت کامل موانع، آنها را از سر راه بردارد و بکوشد تا این رحمت و مودت خدادادی که از عناصر مهم اخلاقی محسوب می شود آسیبی نبیند و روز به روز تقویت شده و بر استحکام آن افزوده گردد و جلوه و ظهور بیشتری داشته باشد و محیطی شاداب و نورانی و معنوی ایجاد نماید.

سه حکایت

۱- قبل از آنکه تشکیل زندگی دهم و همسر اختیار کنم، برنامه ی روزانه ام این بود که نوعاً صبح زود به حرم مطهر حضرت فاطمه ی معصومه - سلام الله علیها - مشرف می شدم و پس از انجام برنامه های عبادی و درسی، منتظر می ماندم تا در راه بازگشت فقه عارف، حضرت آیه الله بهجت - قدس سره - از حرم به منزل، سوالات خود را از ایشان پرسش نمایم و بهره های اخلاقی خود را ببرم که آثار و برکات زیادی را به همراه داشت. این برنامه، پس از ازدواج نیز ادامه پیدا کرد تا اینکه روزی آن بزرگ مرد عارف روشن ضمیر، بی مقدمه فرمودند: «برنامه ی هر روز شما اینگونه است؟!» عرض کردم بله. فرمودند: «بد نیست که بعضی روزها به

درس نیاید و به خانواده رسیدگی نمایید؛ مرحوم مظفر بعضی از روزها به درس نمی‌آمد و شبها نزد دوستان می‌آمد و از نوشته‌های آنها استفاده می‌کرد». از این پرسش و توصیه‌ی آن عارف واصل فهمیدم که رمزی در کار است و گره‌ای برکارم افتاده که آن مرد تیزبین الهی خواسته‌اند گره‌گشایی و غفلت‌زدایی نمایند و به این حقیر اسیر شده‌ی در اوهم و خیالات بفرمایند که این روشی که قبل از ازدواج داشته‌ای، بعد از ازدواج باید به گونه‌ای باشد که حتی از حقوق کثیر شریک زندگی‌ات فوت و تضییع نگردد.

پس از آنکه نزد خاواده آمدیم و از او سؤال کرده و نظرش را جویا شدم، متوجه شدم که او از اینکه بیش از ساعات شبانه‌روز را تنها و دور از همه‌ی اقوام و خویشان بوده، در دل کدورتی پیدا نموده و اظهار نمی‌کرده است؛ و همین ایجاد کدورت‌ها و تضییع حقوق‌هاست که خار راه طریق بوده و مانع بهره‌برداری‌های معنوی و کشف حجاب‌ها می‌شود و از برکات تلاش‌های علمی و عملی آدمی می‌کاهد.

۲- شیخ عارف کامل ما، حضرت حجة الحق مرحوم آية الله پهلوانی - قدس سره - در جلساتی که با جمعی از اصحاب سلوکی خود داشتند، هر چندگاه تذکراتی راهگشا و هدایت‌های دلسوزانه‌ای نسبت به رعایت حقوق خانواده و پرهیز از سخت‌گیری‌های غیرلازم داشته و آثار زیان‌بار کوتاهی در انجام وظایف همسری و از دست دادن سرمایه‌ها و اندوخته‌های معنوی و اخروی را یادآور شده و تأثیرات آن را در سلوک الی الله متذکر می‌شدند.

در یکی از جلساتی که پس از زلزله‌ی معروف شهرستان بَم تشکیل شد فرمودند: «زلزله که امتحان سختی نیست، این امتحان را نوعاً آدم‌ها خوب از عهده‌اش برمی‌آیند، خداوند اگر بخواهد شما را امتحان کند، با همسران امتحان می‌کند که شبانه‌روز با او سر و کار دارید، گاهی به خانه می‌آیید، همسران بدون مقدمه حرفی که باب میل شما نیست می‌زنند، که اگر مراقب نباشید، با یک گفتار و رفتار نامناسب در مقابل او، اندوخته‌های معنویان را بر باد می‌دهید».

از این تذکر، به فکر فرو رفتم و با نفس خویش چنین حدیث کردم که در تعامل و معاشرت با همسر مراقبت‌ها و مواظبت‌های دائمی و شدیدی لازم است، چرا که همیشه با او سر و کار داری و با اندک غفلتی ممکن است حقی از حقوق کثیر او ضایع گردد و به وادی هلاکت سقوط نمایی و به حسرتِ جِرم‌ان از نعمت‌های معنوی و اخروی مبتلا شوی و از الطاف خاصه‌ی حضرت حق - جلّ جلاله - محروم گردی و از نظر او بیفتی.

۳- در ایامی که عارف واصل، موحد عظیم‌الشان، سیدنا الاستاد^۱ - روحی فداه - به سختی بیمار و زمین‌گیر شده بودند و ضعف شدید، توان انجام ابتدایی‌ترین کارهای روزمره‌ی زندگی را از ایشان سلب نموده بود، نزدیک اذان ظهر، در حالی که آهنگر در منزل ما مشغول به کار بود، زنگِ تلفن به صدا درآمد و دیدم که حضرت ایشان می‌باشند فرمودند:

۱. زاهد واصل، عارف کامل، موحد عظیم‌الشان، فقیه ربانی، حکیم متآله، وارث علمی و عملی و گنجینه‌ی اسرار مرحوم آیه‌الله علامه‌ی طباطبائی - قدس سره - که به دلیل عدم رضایتش از ذکر نامش معذورم و زبانم از ذکر کمالات لا یدرک و لا یوصف آن انسان کامل گمنام عاجز است و او به حق از مصادیق این تعبیر استادشان مرحوم علامه‌ی طباطبائی در رساله‌ی الولایه می‌باشد که: «اما خصوصیات مقاماتهم فلا یحیط بها الا عزّ اُسْمُهُ». «رساله‌ی الولایه؛ ص ۲۰۶»

«فلانی می‌توانی اینجا بیایی؟!» عرض کردم بله. فوراً خودم را به منزلشان رساندم، به خیال آنکه بیماریشان تشدید شده و مشکل خاصی پیش آمده است. هنگامی که به محضر شریفشان رسیدم، دیدم که کاملاً برآشفته هستند و نگرانی از تمام چهره‌شان هویدا است. باز نفهمیدم که چه اتفاقی رخ داده است. عرض کردم مطلبی پیش آمده؟! فرمودند بله. عرض کردم چه شده است؟! فرمودند: «حکایتی را آیه الله شهید، آقای مطهری - قدس سره - در رابطه با مرحوم آیه الله آقا میرزا محمدتقی شیرازی - قدس الله نفسه - نقل کرده‌اند که مرا نگران نموده است. عرض کردم چه حکایتی را؟! فرمودند: آقای مطهری نقل کردند که: «بزرگانی از علما را سراغ داریم که مقید بودند هیچ‌وقت کوچک‌ترین تجاوزی به حق کسی نکنند، این‌ها در داخل خانه، حاضر نبودند حتی یک بار به صورت یک امر، از همسر یا فرزندشان چیزی بخواهند. درباره‌ی مرحوم میرزا محمدتقی شیرازی - رضوان الله علیه - که از مراجع تقلید بسیار بسیار بزرگ و استاد مرحوم آیه الله حاج شیخ عبدالکریم حائری - اعلی الله مقامه - بودند، نقل کرده‌اند که هیچ‌وقت به اهل خانه فرمان نمی‌داد. حتی یک وقت که ایشان مریض بودند و خانواده‌ی ایشان برایشان شوربا (آش برنج) تهیه کرده بودند، بچه‌ها آمده بودند و غذا را دم در گذاشته و رفته بودند. ایشان هم مریض و در کوشه‌ی اتاق بستری بود و نمی‌توانست از جا بلند شود، چند ساعت گذشت، وقتی آمدند دیدند غذا را نخورده است؛ چرا؟! برای این که مستلزم این بود که یکی از بچه‌ها را صدا کند و بگوید این کار را برای ایشان انجام بدهد. شبهه می‌کرد که آیا شرعاً برای من جایز است زخم را از آشپزخانه صدا کنم و بگویم این کار را انجام دهد؟! حال [اگر] در آنجا کاری به میل و رضای خودش می‌کند و من هم به او دستور نداده‌ام و خودش می‌گوید که مایل‌م در آشپزخانه کار کنم

[مطلب دیگری است] اما کاری را که مستلزم این باشد که من به او فرمان دهم، نمی‌کنم.^۱

استاد توحیدی‌ام - روحی فداه - پس از نقل این حکایت فرمودند: «حال بگو من چه کنم؟! من هیچ‌گاه به خانواده‌ام دستور نمی‌دادم، حتی در ظرف شستن به خانواده کمک می‌کردم، اما الان مجبورم بگویم: «این لیوان یا این قاشق را به من بدهید». شما بگویید چه کنم؟! می‌ترسم این دستور دادنم وزر و وبال قیامم شود»

عرض کردم: آقا جان، شما نگران نباشید، اگر خانواده رضایت قلبی داشته باشند و با کمال میل به شما خدمت کنند و از اینکه شما احتیاج به چیزی داشته باشید و نگوید، ناراحت می‌شوند که دیگر مشکلی نیست و اگر این حقیر را می‌گویید، باید عرض کنم که غلامی شما افتخاری است برای بنده؛ دیگر چه وزر و وبالی؟!^۲

اینجا بود که دیدم چهره‌ی درهم کشیده و نگران ایشان از هم شکفته شد و آثار آرامش خاطر بر صورت مبارکشان ظاهر گردید.

پس بی‌جهت نیست که از عارف بزرگوار مرحوم آقا سید هاشم حداد - قدس سره - که از شاگردان سلوکی حضرت جمال العارفین مرحوم آیه الله آقا سید علی قاضی - قدس الله نفسه - بوده و مل شده است که می‌فرموده: «انسان اگر بخواهد واصل شود، شروع آن از خانه و زن و بچه می‌باشد».^۳

۱. مجموعه آثار، ج ۲۳ ص ۲۸۵.

۲. دلشده: ص ۱۱۷.

نکته

یکی از طالبان موعظه، نامه‌ای به ابوذر نوشت و از او تقاضای نصیحتی کرد. ابوذر هم در پاسخ درخواست او مرقوم فرمود: اگر توان داری، به کسی که دوستش داری بدی و ستم مکن «إِنْ قَدَرْتَ أَنْ لَا تُسِيءَ إِلَى مَنْ تُحِبُّهُ فَأَفْعَلْ» بار دیگر آن شخص نوشت که این مطلب واضح و روشنی است، آیا دیده‌ای که کسی به دوست عزیزش بدی و جفا کند؟! ابوذر در جواب نوشت: آری! عزیزترین افراد نزد تو، نفست می‌باشد و هیچ کس بیش از خود انسان نزد تو، عزیزتر نمی‌باشد، پس هنگامی که فرمان خدا را زیر پا می‌گذاری و گناهی مرتکب می‌شوی، در حقیقت به خودت بدی می‌کنی و جان خود را می‌آزاری و مستحق محرومیت و آتش می‌نمایی «نَفْسُكَ أَحَبُّ إِلَيْكَ فَإِذَا عَصَيْتَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فَقَدْ أَسَأْتَ إِلَيْهَا»^۱.

استاد توحیدی‌ام عارف واصل، حضرت حجة الحق آية الله پهلوانی - قدس سره - به این فقیر محض توصیه فرمودند که: «هرگاه مطلبی می‌گویی و سخن و موعظه‌ای داری، خودت را در مقابل بگذار و مخاطب اصلی قرار بده؛ و نسبت به سرنوشت معنوی و تربیت روحی دیگران هم بی تفاوت مباش، چرا که آنها ایام آل محمد^۲ - صلوات الله علیهم - هستند و باید از ایشان دستگیری نمود».

۱. ارشاد القلوب؛ ج ۱ ص ۱۸۳.

۲. از حضرت رضا - روحی لربنا! زائر به فدای - نقل شده که فرمود: «روز قیامت به عابد گفته می‌شود تو مرد خوبی بودی و برای خودت کوشش کردی و زاد و توشه‌ی خود را فراهم ساختی اینک داخل بهشت شوی و از نتایج اعمال خود بهره‌مند گردید. لکن فقیه آن کسی است که جامعه را از علوم خود بهره‌مند گرداند و آنان را به طرف خیر و سعادت رهنمون شود و آنها را از چنگال دشمنان برهاند و از نعمتهای پروردگار آنان را بهره‌مند سازد و خوشنودی خداوند را برای

بنا به این توصیه‌ی آن بنده‌ی مُخلص الهی و با الهام از نصیحت نامه‌ی ابوذر، نفس خویش را مخاطب اصلی قرار داده و با «ای عزیز» از او یاد کرده‌ام؛ امیدوارم در جان آلوده‌ام مؤثر افتد و جان به خواب غفلت فرو رفته‌ام را بیدار کند و نشرش برای طالبان قرب الهی راهگشا باشد، گرچه ورود بال و روشکسته‌ای چون حقیر در چنین عرصه‌ای عرض خود بردن و زحمت خوانندگان دادن است.

ص - ج

۱۳۹۱/۵/۱۵ ه.ش

مصادف با شب بیست و سوم رمضان ۱۴۳۳ ه.ق

آنها فراهم آورد. روز قیامت به فقیه گفته می‌شود ای کسی که از ایام آل محمد - علیهم السلام - سرپرستی کردی و دوستان ضعیف آنها را راهنمایی نمودی، اینک از کسانی که از تو علم آموختند شفاعت کن؛ پس آن فقیه توقف می‌کند و مردم را دسته دسته با خود به بهشت می‌برد و اینان کسانی هستند که از وی و یا شاگردان او علم آموخته‌اند و تا روز قیامت هر کسی از گفته‌های این عالم استفاده کند مشمول شفاعت وی خواهد بود و اینک بنگرید بین فقیه و عابد چه فرقی است؟ «احتجاج؛ ج ۱ ص ۱۷؛ مسند الامام الرضا علیه السلام؛ ج ۱ ص ۸».